بسیج امام

فانوس

۸۴

در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی

شماره هشتاد و چهارم / پاییز ۱۴۰۴



خیمه‌های پاسداری از شریعت

گفتاری از استاد حسن رحیم‌پور ازغدی

پیرامون نقش محوری و راهبردی روضه‌های خانگی در عصر حاضر

فانوس
فانوس ـ در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی
شماره هشتاد و چهارم، پاییز ۱۴۰۴
خیمه های پاسداری از شریعت
گفتاری از استاد حسن رحیم‌پور ازغدی پیرامون نقش محوری و راهبردی روضه‌های خانگی در عصر حاضر
نشست معرفی بصیرتی مبلّغان و مسئولین جلسات خانگی؛ آستان قدس رضوی، ۱۳آذر ۱۳۹۸
تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
به کوشش: هادی مرادی فرهمند
طراح جلد: علی ناصری
صفحه‌آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.

جامعه ایمانی مشعر
قم ـ کد پستی: ۳۷۱۹۶ - ۱۵۶۴۷
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.1542.org
رایانامه: info@1542.org

بسم الله الرحمن الرحیم

امام خمینی رحمه‌الله‌علیه :

آن روضه‌های سنتی را سر جای خودش نگه دارید و آن مصیبت‌ها را زنده نگه دارید که برکاتی که به ما می‌رسد از آن‌هاست و از کربلا این برکات به ما می‌رسد.[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۹۸.

مقدمه

در دل تاریخ تشیع، همیشه نقطه‌ای نورانی و گرم وجود داشته که شعله عشق به اهل‌بیت علیهم‌السلام را در تاریک‌ترین و سخت‌ترین روزگاران زنده نگاه‌داشته است؛ این کانون پرشور و برکت، چیزی نیست جز «مجلس روضه خانگی». روضه‌های خانگی، اساسی‌ترین و اصیل‌ترین شکل عزاداری سید و سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام هستند که ریشه در سنت ائمه معصومین علیهم‌السلام داشته و بنیان‌گذار هیأت‌های عظیم، تکایا و حسینیه‌های امروزی به شمار می‌آیند.

امامان ما ـ از جمله امام صادق علیه‌السلام ـ با پرسش «آیا دور هم جمع می‌شوید؟ آیا ذکر مصیبت برپا می‌کنید؟» بر اهمیت بی‌بدیل این مجالس تأکید کرده و اشتیاق خود برای حضور در این محافل را بیان می‌فرمودند. این سنت حسنه، نه‌تنها در گذشته

که تا به امروز نیز چراغ راه عاشقان اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده و هسته مرکزی تداوم فرهنگ عاشورایی است.

این شماره از فانوس بر آن است تا با نگاهی عمیق‌تر، اهمیت و جایگاه رفیع و مهم‌ترین مسائل این مجالس مقدس را در بیانات استاد رحیم‌پور ازغدی واکاوی کند. همان‌گونه که در سطور پیش‌رو روشن خواهد شد، روضه خانگی تنها یک مراسم سوگواری نیست؛ بلکه منشأ نوری است که بر کائنات و زندگی اهل خانه می‌تابد. شوری است که حماسه عاشورا را در دل‌های کوچک و بزرگ می‌دمد و شعوری است که باید بستری برای نشر معارف ناب الهی و مطالبه شده از سوی خود امام حسین علیه‌السلام باشد.

بر ماست که این میراث گران‌قدر را به‌درستی بشناسیم، از برکات آن بهره ببریم و با تقویت و رشد آن، باعث پویایی هرچه بیشتر بدنه هیأت‌های مذهبی و در نهایت، جامعه اسلامی شویم. امید است این نوشتار، گامی هرچند کوچک در جهت احیای این سنت نبوی و علوی بردارد.

برخی گمان می‌کنند به دلیل مدرنیته، تجدد و تکنولوژی، عصر حاضر کاملاً متفاوت شده و بشر جدیدی پدیدآمده است که شرایطش با گذشته فرق دارد و گویی دیواری غیرقابل‌عبور بین ما و دوران انبیاء وجود دارد؛

اما این تصور کاملاً نادرست است.

ثبات ماهیت بشر و نیاز همیشگی به هدایت

گرچه در عصر حاضر و با گسترش فضای مجازی و رسانه‌ها، مرزهای سنتی میان شهر و روستا، بازار و خانه، دانشگاه و حوزه از بین رفته و همه‌چیز درهم‌آمیخته شده است، این اتفاق از جهتی بسیار خوب و از جهتی دیگر، مسئولیت‌ها و خطرات بیشتری را ایجاد کرده است. بخشی از مشکلات و سؤالات امروز، همان مسائلی است که همواره در طول تاریخ بشر وجود داشته است. اساساً اگر این سؤالات و نیاز به هدایت نبود، خداوند انبیاء را نمی‌فرستاد. فلسفه بعثت پیامبران، پاسخ‌گویی به همین سؤالات همیشگی بوده است. نزول وحی و دستوراتی همچون امربه‌معروف، نهی‌ازمنکر، دعوت، موعظه، گفت‌وگو به حکمت و برهان، پند نیکو و مجادله به

بهتریـن شیوه، همگی گواهی بر این نیاز همیشـگی هسـتند؛ بنابراین چنین نیسـت که ما برای اولین‌بار با این چالش‌ها مواجه شده باشیم.

از همـان اولیـن خانـواده بـشری کـه دو فرزند داشـت ـ یعنی هابیـل و قابیل ـ دو خط فکری متضاد شـکل گرفت که یکی به قاتل و دیگری به مقتول تبدیل شـد. این نزاع، همـان درگیری اصیل بین حق و باطل اسـت که تـا امروز نیز ادامه دارد. به‌عبارت‌دیگر، هیچ فسـاد، گناه یا ظلم جدیدی که سـابقه‌ای در گذشـته نداشـته باشد، وجود ندارد. برخـی گمـان می‌کنند به دلیل مدرنیتـه، تجدد و تکنولوژی، عصـر حاضر کاملاً متفاوت شده و بشر جدیدی پدیدآمده است که شرایطش با گذشته فرق دارد و گویی دیواری غیرقابل‌عـبور بیـن مـا و دوران انبیـاء وجود دارد؛ اما این تصور کاملاً نادرسـت اسـت. قرآن کریم برای چه جوامع گذشته مانند قوم شعیب، لوط، هود، صالح، نوح و ابراهیم را مثال می‌زند؟ زیرا گناهان و ظلم‌هایی که در آن امت‌ها وجود داشت، عیناً همان‌هایی اسـت که امروز نیز شـاهد آن هستیم. حتی امروز برخی جوامع بشری حتی به‌اندازه آن اقوام فاسد نیستند؛ برای مثال، شما امروز جامعه‌ای به فساد کامل قوم لوط که حتی همسر پیامبرشان نیز با آن‌ها همراه شده بود، ندارید.

بنابراین، یکی از موانع بزرگ که یأس و تردید ایجاد می‌کند، این تصور نادرسـت اسـت کـه گمان می‌کنیم در زمانه‌ای اسـتثنایی و بی‌سـابقه زندگی می‌کنیم که شـرایط بسیار

سـخت‌تر از گذشـته اسـت. البته که وجود فضای مجازی، اینترنت، ماهواره، ارتباطات گسـترده، آموزش‌های متنوع و امکان سفر، شرایط جدیدی را به وجود آورده و مسلماً مسـئولیت‌ها و تهدیدهـای نوینـی را نیـز بـر دوش مـا گذاشـته اسـت؛ امـا بایـد توجه داشـت کـه این فضا، در کنـار تهدیدها، فرصت‌های بی‌سـابقه‌ای نیـز در اختیار ما قرار داده که حتی انبیای الهی از آن محروم بودند.

امکانـات و ابزارهـای جدیـدی امروزه در اختیـار ماسـت کـه پیامبـران و اولیـای الهی در قرن‌هـا و هزاره‌هـای گذشـته آرزوی آن را داشـتند. به‌عنوان‌مثـال، حضـرت نوح علیه‌السلام بـه مـدت سـال‌ها و دهه‌هـا زحمـت کشیـد و طبـق برخـی روایـات، در نهایـت تنهـا حدود چهل نفر دور او جمع شـدند. از این منظر، کار در آن دوران به‌مراتب سـخت‌تر از زمان حاضر بوده است. یک مانع بزرگ که گاهی به من گفته می‌شود این است که وضعیت جامعه امروز با این حجم از ارتباطات و مدرنیته، دیگر امکان فعالیت‌های سنتی مانند جلسات خانگی را نمی‌دهد؛ اما پاسخ این است که چرا نه؟ این مجالس نه‌تنها ممکن است؛ بلکه بیش از هر زمان دیگری ضروری و متناسب با شرایط کنونی است.

این فضا، در کنار تهدیدها، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای نیز در اختیار ما قرار داده که حتی انبیای الهی از آن محروم بودند.



مسئولیت خطیر جلسات خانگی؛ کاشتن بذر ایمان یا بی‌ایمانی

متأسفانه، گاهی اولین بذرهای بی‌دینی نیز در همین جلسات خانگی کاشته می‌شود.

ما در جامعه دو گونه مختلف از جلسات خانگی را شاهد هستیم که هر یک، تأثیر کاملاً متضادی بر جای می‌گذارند. یک‌گونه، جلساتی هستند که برای کافرکردن افراد و بی‌دین نمودن نسل جدید بسیار مناسب عمل می‌کنند و در نقطه مقابل، گونه‌ای دیگر وجود دارند که اولین بذرهای ایمان و توحید را در دل حاضران می‌کارند و آن را پرورش می‌دهند.

برخی از این مجالس، از ابتدا تا انتها، تنها حول محور خواب‌دیدن و خواب‌گفتن می‌چرخد، یا به مواردی مانند افتادن نور غیرعادی در روضه می‌پردازند.

ما افرادی را داریم که امروز به‌عنوان مسئول، مقام دولتی یا شخصیت دانشگاهی شناخته می‌شوند؛ اما تمام درک و برداشت آن‌ها از اسلام، محدود به همان تصوراتی است که سی‌سال پیش در خانه مادر یا مادربزرگشان شکل‌گرفته است. در آن زمان، فردی که ممکن است طلبه، واعظ یا شخصی معمولی بوده، درحالی‌که برای چای‌دادن

در مجلس در رفت‌وآمد بوده، حدیث عجیبی را خوانده که مخاطب حتی معنای آن را نفهمیده است. از همان لحظه، تصوری خاص از دین، روحانیت و ائمه علیهم‌السلام در ذهن او شکل‌گرفته که بدون هیچ تحقیق و پرسشی، بدون مطالعه حتی پنج کتاب یا پرسش از دو نفر، تا پایان عمر همراه او مانده است.

او هرگز در پی آن برنیامده تا بررسی کند آن حدیث درست بوده یا جعلی، ناقص خوانده شده یا کامل و چه مطلبی قبل و بعد از آن بیان شده است. تنها همان سخن پراکنده و بدون زمینه، پایه تفکر دینی او شده است. سپس می‌بینیم که چنین فردی به‌عنوان استاد دانشگاه، دکتر، مهندس، وزیر یا وکیل ـ چه زن و چه مرد ـ درحالی‌که عصاره تفکر دینی‌اش همان شنیده‌های کودکی است، تصمیم‌هایی می‌گیرد که کاملاً در جهت مخالف دین است؛ چه خود آشکارا بیان کند یا نه.

متأسفانه، گاهی اولین بذرهای بی‌دینی نیز در همین جلسات خانگی کاشته می‌شود. برخی از این مجالس، از ابتدا تا انتها، تنها حول محور خواب‌دیدن و خواب‌گفتن می‌چرخد، یا به مواردی مانند افتادن نور غیرعادی در روضه می‌پردازند، تا جایی که حاضرین چراغ‌قوه درمی‌آورند؛ زیرا گمان می‌کنند نوری که از آن سخن گفته می‌شود، نوری فیزیکی است! آن‌ها درک نمی‌کنند که آن نور، نوری معنوی است؛ نور عقل و ایمان است که با چشم سر دیده نمی‌شود؛ بلکه درون انسان را روشن می‌کند.

جلسات خانگی ما نباید به هیچ‌یک از این دو انحراف - نه عوام‌زدگی و مقدس‌مآبی فاقد عقل و کتاب، و نه روشن‌فکرنمایی و انکار عالم غیب - دچار شوند.

ارائه تفسیر توحیدی؛ مانعی در برابر انحراف در مفاهیم دینی

توسل، شفاعت و زیارت از جمله مسائل بسیار مهم در اسلام هستند که مختص شیعیان نیست و کاملاً قابل‌تبیین عقلانی می‌باشد. بااین‌حال، این مفاهیم، دو گونه تفسیر متفاوت دارند: یک تفسیر مشرکانه که موجب انحطاط فکری می‌شود و یک تفسیر توحیدی که رشددهنده و حرکت‌آفرین است. به‌عنوان‌مثال، شفاعت می‌تواند به‌عنوان موتور محرکهٔ انسان عمل کند؛ به این معنا که فرد تمام تلاش خود را به کار می‌بندد و در صورت کوتاهی، از الطاف الهی و شفاعت اولیای خدا بهره می‌برد. اما در تفسیری انحرافی، شفاعت بهانه‌ای برای تنبلی و بی‌مسئولیتی می‌شود؛ به این شکل که فرد می‌پندارد چون شیعه است و شفاعت شامل حالش می‌شود، نیازی به تلاش و حرکت ندارد.

همهٔ این مفاهیم ـ از زیارت و توسل گرفته تا شفاعت، خواب‌های دینی، معجزات و کرامات ـ در جلسات خانگی به دو شیوهٔ کاملاً متضاد قابل‌بیان هستند. باید همواره هوشیار بود که تفسیری ضدتوحیدی و مشرکانه که افراد را به‌سوی خرافات، جعلیات و احادیث بی‌اساس سوق می‌دهد، نه‌تنها رشددهنده نیست؛ بلکه باعث انحطاط فکری و اخلاقی می‌شود. متأسفانه در برخی مجالس، زمان زیادی صرف بحث‌های بی‌اساس درباره خواب و رؤیا می‌شود؛ درحالی‌که حتی اگر همهٔ حاضران نیز خوابی ببینند، این خواب‌ها برای هیچ‌کس حجیت دینی ندارد. حال‌آنکه قرآن پر از استدلال‌های محکم، احادیث صحیح و معارف ناب است که باید محور اصلی این جلسات قرار گیرد.

خطر اصلی در اینجا، ارائه تصویری عوامانه و قشری از دین است که پایه‌ای در حکمت، تهذیب نفس، عقلانیت یا فطرت سالم ندارد. چنین دینی وقتی مخاطب آن وارد فضای دانشگاه یا مجامع روشنفکری شود، به‌سرعت در مقابل کوچک‌ترین شبهه‌ای فرومی‌ریزد. از طرف دیگر، عکس‌العمل در برابر این تصویر تحریف‌شده، ممکن است افراد را به دامن جریان‌های به‌اصطلاح روشن‌فکری بیندازد که هرگونه امر غیبی ـ حتی رؤیای صادقه، کشف و شهود عرفانی و تفسیر درست شفاعت و توسل ـ را به‌کلی خرافه می‌دانند و اصل وحی، نبوت و حجیت دین را نفی می‌کنند.

جلسـات خانگـی مـا نبایـد بـه هیچ‌یک از این دو انحـراف ـ نه عوام‌زدگـی و مقدس‌مآبیِ فاقـد عقـل و کتاب، نه روشـن‌فکرنمایی و انکار عالم غیب ـ دچار شـوند. هر دوی این جریان‌ها از عقل، کتاب و سنت واقعی فاصله گرفته‌اند. یکی تحت عنوان مذهب ـ اما بدون قرآن و سـنت و عقلانیت ـ و دیگری تحت عنوان نواندیشـی ـ اما با انکار اسـاس معـارف الهـی ـ انجـام می‌گیرنـد. وظیفهٔ ایـن مجالس، ارائـه تفسیری اصیـل، عقلانی و توحیدی از معارف دینی است که بتواند در برابر هر دو انحراف ایستادگی کند.



اکثر افرادی که در آینده به عناصری اثرگذار در عرصه‌های علمی و عملی جامعه تبدیل شده‌اند، محصول همین مجالس خانگی بوده‌اند.

جلسات خانگی؛ بستر شکوفایی علمی و عملی جامعه

ما همواره جلسات خانگی متقابل و پرباری را شاهد بوده‌ایم که منشأ برکات عظیمی شده‌اند. اکثر افرادی که در آینده به عناصری اثرگذار در عرصه‌های علمی و عملی جامعه تبدیل شده‌اند، محصول همین مجالس خانگی بوده‌اند. این جلسات ـ اعم از روضه‌های هفتگی یا ماهانه و منبرهای خانگی ـ که از دوران کودکی و نوجوانی در خانه‌ها برپا می‌شده، نخستین محیطی بوده که در آن صدای تلاوت قرآن شنیده شده، معانی آیات فهمیده شده، کلمات نهج‌البلاغه منتشر شده و سنت و احکام دینی آموزش داده شده است.

بسیاری از این افراد، هسته اصلی آموزش دینی و مذهبی خود را در همین حلقه‌های صمیمی فراگرفته‌اند. این جلسات، مسیر زندگی آنان را شکل داده، اصلاح کرده و تا

پایان عمر، جهت فکری و عملی آنان را تحت‌تأثیر خود نگاه‌داشته است؛ بنابراین، از این منظر باید به‌خوبی دریافت که جلسات خانگی درست و اصولی، چه آثار و برکات ماندگاری می‌توانند داشته باشند.

برخی ادعا می‌کنند که در عصر حاضر و با وجود فضای مجازی، دوره منبرها و جلسات خانگی و گفت‌وگوهای رودررو به سر آمده است؛ اما این ادعا کاملاً بی‌اساس است. چه در قالب ارتباط مستقیم، چه از طریق نوشتار و چه با استفاده از ابزارهای فضای مجازی، این امکان وجود دارد که یک رابطه موفق، ناموفق یا نیمه‌موفق برقرار شود. موفقیت این ارتباط کاملاً به خود فرد، مخاطب، محتوای پیام، زمان بیان و شیوه ارائه آن بستگی دارد. چگونگی عمل و گفتار در این زمینه از اهمیت بیشتری برخوردار است و همه این عوامل در کنار هم، نتیجه نهایی را تعیین می‌کنند.

این یک اشتباه رایج است که ما آنچه خود دوست داریم یا تشخیص می‌دهیم را بیان می‌کنیم و از مخاطب می‌خواهیم که با ما همراه شود؛ درحالی‌که این ما هستیم که باید مخاطب خود را درک کرده و با او همراه شویم.

آسیب‌شناسی گزینش و نقل معارف؛ ضرورت درک مخاطب

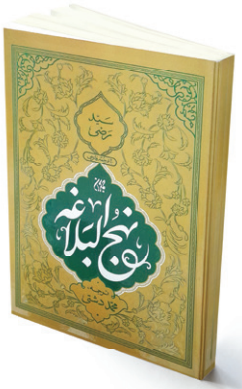
در مواجهـه با جلسـات خانگـی، باید به دو شیوه کاملاً متفـاوت و آسیب‌های مرتبط با آن توجه کرد. یکی از مهم‌ترین این آسیب‌ها، نحوه گزینش و نقل آیات قرآن و احادیث اسـت. انتخاب محتوایی که در هر منبر، کلاس، جلسـه خانگی یا غیرخانگی و حتی در رسـانه و فضـای مجـازی ارائـه می‌شـود، از بیشـترین اهمیت بـرخوردار اسـت. گوینده بایـد خـود را به‌جـای مخاطـب بگذارد؛ نه اینکه انتظار داشـته باشـد مخاطـب خود را با او تطبیق دهد. این یک اشـتباه رایج اسـت که ما آنچه خود دوست داریم یا تشخیص می‌دهیم را بیان می‌کنیم و از مخاطب می‌خواهیم که با ما همراه شـود؛ درحالی‌که این ما هستیم که باید مخاطب خود را درک کرده و با او همراه شویم.

لازم است خود را در موقعیت مخاطب قرار دهید و بفهمید که او چه ابهاماتی دارد، چه سؤالاتی در ذهنش است، از چه چیزی ناراحت یا خوشحال می‌شود، چه سوءتفاهمی

ممکن است داشته باشد و مشکل اصلی او چیست. اگر شما نتوانید خود را جای او بگذارید، او نیز نخواهد توانست با شما ارتباط برقرار کند، حرف‌هایتان را نمی‌فهمد و به آن گوش نمی‌دهد و در نهایت می‌گوید: «تو برای خودت حرف می‌زنی!». گاهی این مقاومت دارای علت است؛ نه دلیل. علت می‌تواند یک محرومیت، عقده، مشکل خانوادگی، لج‌بازی یا مسئله‌ای دیگر باشد؛ یعنی ممکن است هیچ توضیح منطقی برای رفتارش نداشته باشد؛ ولی همچنان آن را انجام دهد. این‌جاست که باید به دنبال علت بود، نه دلیل.

علاوه بر این، نحوه انتخاب و تبیین آیات و روایات نیز بسیار حائز اهمیت است. من و شما می‌توانیم با خواندن آیات و روایات ـ بدون حتی تحریف ـ یک فرد متدین را به بی‌دینی سوق دهیم. اگر آیات را تقطیع کنیم، شأن نزول آن را نگوییم، روایات مرتبط را حذف کنیم، یا تنها بخشی از آیه را بدون درنظرگرفتن آیات دیگر و بدون استفاده از عقل معنا کنیم، می‌توانیم جلسه‌ای ترتیب دهیم که افراد پس از آن، نسبت به عصمت انبیاء و اهل‌بیت علیهم‌السلام، حقانیت و عدالت آنان دچار شک شوند. حتی با آوردن احادیثی بدون توجه به سند، قرائن و روایات متعارض، و تعطیل‌کردن عقل، می‌توان به‌راحتی زمینه‌ساز انحراف فکری شد؛ بنابراین، توجه به چگونگی گزینش و ارائه معارف، امری ضروری است.

نکته قابل تأمل آن است که این افراد، اصول ثابتی ندارند. امروز به نام دین حرفی می‌زنند و فردا، با تغییر شرایط، همان مطالب را نفی کرده یا حتی ضد آن سخن می‌گویند؛ تنها به این شرط که منافع مادی و موقعیتشان حفظ شود.



طبقه‌بندی مبلّغان از نگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در خطبه ۲۰۱ نهج‌البلاغه به تقسیم‌بندی روشنی از کسانی که به نقل حدیث و بیان مطالب دینی می‌پردازند، اشاره می‌فرمایند. ایشان با هشدار به ما ـ که مخاطبان مستقیم این سخن هستیم، اعم از طلبه و غیرطلبه ـ می‌فرمایند که این افراد که به نام دین، احادیثی را این‌سو و آن‌سو نقل می‌کنند، به چهار دسته تقسیم می‌شوند. به تعبیر بنده، سه‌چهارم از این جلسات ـ از جمله جلسات خانگی ـ دچار آفات افراط، تفریط، گزینش‌های نابجا و انحراف هستند. آن‌ها یا در دام تحجر گرفتارند، یا التقاط، یا سخنان خلاف عقل می‌زنند، یا اساساً مطالب را به‌درستی درک نکرده‌اند.

گروه اول مبلغان: فاسد و خائن!

حضرت در ادامه می‌فرمایند: دسته اول، افراد فاسد و خائنی هستند که آگاهانه و عامدانه عمل می‌کنند. برای این افراد، دین تنها یک ابزار برای کاسبی و رسیدن به مطامع شخصی است. آنان به نام برگزاری جلسات دینی و مذهبی ـ چه خانگی و چه غیرخانگی ـ در پی یافتن مرید، جمع‌آوری پول و وجوهات، شهرت‌طلبی، محبوبیت و رسیدن به ریاست و قدرت هستند. این گروه به‌راحتی دروغ می‌گویند، حدیث جعل می‌کنند، تفسیر به رأی می‌کنند و به تملق صاحبان قدرت و ثروت می‌پردازند تا بتوانند حقوقی نجومی دریافت کنند یا به موقعیت‌های ممتاز دست یابند.

نکته قابل‌تأمل آن است که این افراد، اصول ثابتی ندارند. امروز به نام دین حرفی می‌زنند و فردا، با تغییر شرایط، همان مطالب را نفی کرده یا حتی ضد آن سخن می‌گویند؛ تنها به این شرط که منافع مادی و موقعیتشان حفظ شود. حضرت امیر علیه‌السلام با اشاره به وجود چنین افرادی پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند که آنان با صاحبان قدرت هم‌پیمان شدند، به آنان مشروعیت بخشیدند و به نفع آنان آیه و حدیث خواندند و در مقابل، پول، مقام و مریدانی دریافت کردند. این هم‌کاری شوم، نمونه بارز استفاده ابزاری از دین برای تأمین منافع دنیوی است.

آنان منظور اصلی اهل‌بیت علیهم‌السلام را درک نمی‌کنند و به‌جای آن، برداشت سطحی و عوامانه خود را که عمدتاً متأثر از دغدغه‌های شخصی، شرایط زمان و مکان و محیط محدود خودشان است، تعمیم می‌دهند.

گروه دوم مبلّغان: خوش‌نیت؛ اما فاقد فهم عمیق

حضرت علی علیه‌السلام در ادامه تقسیم‌بندی خود، به دسته دوم از مبلّغان اشاره می‌فرمایند. این گروه، افرادی هستند که از نظر نیت، خوب و صادق محسوب می‌شوند و قصد واقعی آنان تبلیغ دین و خدمت است؛ اما مشکل اصلی آنان، ضعف عقل و فهم نادرست از متون دینی است. به‌جای استفاده از عقل و خرد، با وهم و تصورات شخصی به سراغ روایات و احادیث می‌روند. آنان منظور اصلی اهل‌بیت علیهم‌السلام را درک نمی‌کنند و به‌جای آن، برداشت سطحی و عوامانه خود را که عمدتاً متأثر از دغدغه‌های شخصی، شرایط زمان و مکان و محیط محدود خودشان است، تعمیم می‌دهند.

این افراد قصد بدی ندارند؛ اما در انتخاب و نقل روایات دچار اشتباهات فاحش می‌شوند. ممکن است روایتی را انتخاب کنند که مشکل سندی دارد، از نظر دلالت نارساست، یا در مقام صدور آن ابهام وجود دارد. حتی ممکن است معنی واژه‌ها و عبارات را در بستر تاریخی و فرهنگی خود نفهمند و در نتیجه، مفهوم را به‌کلی تحریف کنند. حضرت امیر علیه‌السلام تأکید می‌فرمایند که این گروه اصلاً منظور ائمه علیهم‌السلام را نفهمیده‌اند؛ نمی‌دانند آن جمله در چه شرایطی، با چه هدفی و برای اصلاح چه امری بیان شده است.

قـرآن کریـم بـا عبارت «یَبْغُونَهَا عِوَجًا»[1] به کسـانی اشـاره می‌کند که با برنامـه‌ریزی و عمد می‌خواهند معانی را تحریف کنند (که مربوط به گروه اول است)؛ اما گروه دوم، کسانی هسـتند کـه کلمـات را در جای خودش (فـی موضعه) نمی‌فهمند. هـر کلمه و جمله‌ای ـ حتی یک حرکت سـاده ـ می‌تواند معانی متعدد و گاه متضادی داشـته باشـد. بدون توجـه بـه سیاق، شـأن نزول، روایات تفـسیری و عقـل، معانی قرآن و حدیـث می‌تواند کاملاً زیرورو شـود و از معنـای عمیـق حکیمانـه به تفسیری سـطحی و احمقانه تبدیل گـردد؛ بنابرایـن، شـرط ضروری، قراردادن خود به‌جای مخاطب اسـت. اگـر مطلبی برای خـود گوینـده قابل‌فهم و قبول نیسـت، چگونـه می‌توان انتظار داشـت برای مخاطب قابل‌پذیـرش باشـد؟ ایـن گروه، بـا وجـود نیـت پـاک، بـه دلیـل فقـدان فهـم عمیـق، ناخواسته به انحراف دامن می‌زنند.

وظیفه ما به‌عنوان مبلّغ، این است که مطالب را به‌گونه‌ای بیان کنیم که مخاطب عادی و عاقل، حتی‌الامکان برداشت درستی داشته باشد و به سمت یقین و تقرب به توحید و عدالت حرکت کند؛ نه به‌سوی شک و دوری از آن‌ها.

گروه سوم مبلّغان: نگاه گزینشی و خارج از بستر به متون دینی

حضـرت علی علیه‌السلام در توصیف دسـته سـوم از مبلّغـان، به افرادی اشـاره می‌فرمایند که با نیتی خوب؛ اما با رویکردی گزینشی و خارج از بستر به متون دینی می‌نگرند. این افراد بخشی از یک حدیث را می‌بینند؛ اما جمله بعدی که نسخ یا توضیح آن را بیان می‌کند، یـا شـرایط و مخاطب خاص آن را مشـخص می‌سـازد، نادیده می‌گیرنـد. به‌عنوان‌مثال،

---

۱. سوره هود، آیه ۱۹.

اگر امام صادق علیه‌السلام به فردی خاص که دل‌درد داشته، توصیه به خوردن سیب کرده باشند، این فرد آن را به‌عنوان یک حکم کلی برای همه دل‌دردها در همه زمان‌ها نقل می‌کند؛ بدون توجه به این‌که این توصیه، یک دستور پزشکی شخصی و موقعیت‌مند بوده است.

این مشکل تنها به احادیث پزشکی محدود نمی‌شود؛ بلکه حتی در احکام فقهی نیز رخ می‌دهد. به‌عنوان نمونه، روایتی که می‌گوید «تَخَتَّمْ بِالْيَمِينِ»[1] (انگشتر را در دست راست کردن)، ممکن است بدون توجه به بستر تاریخی، سیاسی و اجتماعی آن که نشان‌دهنده نوعی هویت‌یابی یا تقابل با حکومت وقت بوده، به‌عنوان یک حکم مطلق و بدون قیدوشرط ارائه شود. این نوع برخورد، به‌ویژه در مسائل حساس و پیچیده اجتماعی مانند ازدواج مجدد یا موقت، می‌تواند بسیار گمراه‌کننده باشد.

اسلام یک سیستم جامع است که بر پایه اصولی مانند توحید و عدالت استوار شده است. یک حکم خاص مانند ازدواج موقت یا مجدد، برای افرادی است که به بن‌بست خورده‌اند و راهی برای ازدواج دائم و تک‌همسری ندارند، تا از افتادن به گناه جلوگیری شود. اما اگر کسی بدون درنظرگرفتن این اصول و شرایط، آن را به‌عنوان یک توصیه کلی و مستحب برای همه معرفی کند، دچار اشتباه بزرگی شده است. برای یک

---

۱. بحارالأنوار، ج ۸۲، ص ۷۵، باب ۲۴.

فرد مجردی که در معرض گناه است، ممکن است واجب یا مستحب باشد؛ اما برای فردی که زندگی خانوادگی پایدار دارد، چنین نیست.

حضرت هشدار می‌دهند که این گروه، با وجود قصد خوب، اسلام را به یک یا چند حدیث تقلیل می‌دهند و صدها آیه و حدیث دیگر که مکمل یا مقید آن هستند را نادیده می‌گیرند. وظیفه ما به‌عنوان مبلّغ، این است که مطالب را به‌گونه‌ای بیان کنیم که مخاطب عادی و عاقل، حتی‌الامکان برداشت درستی داشته باشد و به سمت یقین و تقرب به توحید و عدالت حرکت کند؛ نه به‌سوی شک و دوری از آن‌ها. این همان فلسفه بعثت انبیاء به زبان قومشان است؛ سخن‌گفتن به‌گونه‌ای که برای مردم قابل‌فهم و هدایت‌بخش باشد.

مسأله تنها درست یا غلط‌بودن یک مطلب نیست؛

بلکه این است که چه چیزی را به چه کسی، در چه زمانی، در کجا و به چه شیوه‌ای باید بیان کرد.



ضرورت در نظرگیری عرف، مخاطب و اخلاق در تبلیغ

در فقـه، عـرف (رسـوم و درک عمومـی) نقش تعیین‌کننـده‌ای در تشـخیص بسیاری از مسـائل دارد و حتـی می‌تواند احکام فقهـی را تحت‌تأثیر قرار دهد. این اصل در برگزاری جلسـات ـ چه زنانه، چه مردانه، خانگی یا غیرخانگی ـ نیز حائز اهمیت اسـت. ذهنیت مخاطب، سـطح عقلانی او و معنایی که از کلمات درک می‌کند، همگی باید مدنظر قرار گیرنـد. مسـأله، تنها درسـت یا غلط‌بـودن یک مطلب نیسـت؛ بلکه این اسـت که چه چیزی را بـه چـه کسـی، در چه زمانی، در کجـا و به چه شیوه‌ای باید بیـان کرد. گاهی یک مطلـب هرچنـد صحیـح؛ امـا اگر در زمان یا مکان نامناسـب یا با روشـی نادرسـت بیان شود، می‌تواند اثر معکوس داشته باشد.

گاهی لازم است مطالب به‌گونه‌ای گزینش و بیان شوند که حتی باعث ناراحتی و عصبانیت برخی شوند؛ زیرا یک نهی‌ازمنکر واقعی که هیچ‌کس را عصبانی نکند، در واقع یک تعارف بیش نیست. اما باید دقت کرد که این عصبانیت ناشی از بیان صریح و بی‌پرده حق باشد؛ نه ناشی از بی‌ادبی، توهین یا آزار. تفاوت این دو بسیار ظریف است. یک جا باید چنان قاطع و رک سخن گفت که مخاطب به خود آید و نتواند به‌سادگی از کنار آن بگذرد و جای دیگر باید از تجاهل عاقلانه استفاده کرد یا حتی خود را به نشنیدن زد تا از یک درگیری بی‌ثمر جلوگیری شود.

روایات بسیاری بر رعایت این اصل تأکید دارند. به‌عنوان‌مثال، در مواجهه با خطای یک نوجوان،



حدود ۱۸،۰۰۰ سؤال و شبهه در موضوعاتی نظیر مباحث اعتقادی، اخلاقی، احکام فقهی و... از ایشان پرسیده شده که تنها بخشی از آن به دست ما رسیده است.

این حجم عظیم پرسش‌وپاسخ، نشان‌دهنده فضای باز و پویای گفت‌وگو در محضر ایشان است.

توصیه شده که او را در خلوت و به‌دور از جمع تذکردهی؛ زیرا نصیحت درملأعام ممکن است او را به لجاجت و دفاع از حیثیتش وادارد؛ همانند گربه‌ای که در گوشه اتاق گیر افتاده و برای دفاع از خود به هر طرف حمله می‌کند. از طرفی همان قرآن که به امر به نماز دستور می‌دهد، هشدار می‌دهد که مبادا مجادله و سخت‌گیری، فرزند را به لج‌بازی بکشاند.

بنابراین، عقلانیت در تشخیص این شرایط ـ که کجا باید مدارا کرد، کجا باید صراحت داشت، کجا باید تجاهل کرد و کجا باید سکوت نمود ـ نقش محوری دارد. متأسفانه گاهی ما تنها بر بیان احکام متمرکز می‌شویم و روش غیراخلاقی بیان آن را نادیده می‌گیریم؛ غافل از این‌که این روش می‌تواند مخاطب را نه‌تنها از ما که از خود احکام دینی نیز متنفر و بیزار کند. تبلیغِ بدونِ اخلاق، نتیجه‌ای جز دوری از دین نخواهد داشت.

۱۸,۰۰۰

الگوی امام رضا علیه‌السلام به ما می‌آموزد که تبلیغ مؤثر، نیازمند ایجاد فضای امن برای پرسش، پایبندی به اخلاق گفت‌وگو و پاسخ‌گویی صبورانه و عقلانی به هر شبهه‌ای است.

الگوی تبلیغی امام رضا علیه‌السلام: گفت‌وگوی عقلانی، اخلاقی و پیگیر

سیره تبلیغی امام رضا علیه‌السلام نمونه بی‌نظیری از مواجهه عقلانی، اخلاقی و مؤثر با مخاطبان مختلف است. حدود **۱۸,۰۰۰** سؤال و شبهه در موضوعاتی نظیر مباحث اعتقادی، اخلاقی، احکام فقهی، کلام، سیاست، اجتماع، تربیت، خانواده، روابط بین‌الملل و تعامل با ادیان دیگر از ایشان پرسیده شده که تنها بخشی از آن به دست ما رسیده است. این حجم عظیم پرسش‌وپاسخ، نشان‌دهنده فضای باز و پویای گفت‌وگو در محضر ایشان است.

امام رضا علیه‌السلام حتی در مناظرات با خلیفه‌ای مانند مأمون که خود را فقیه و عالم نشان می‌داد، نه‌تنها به بیان حکم فقهی می‌پرداخت؛ بلکه درس‌های سیاسی و تربیتی نیز می‌داد. همه این تعاملات ـ از پاسخ به شبهات تا مناظرات رسمی ـ با نهایت احترام،

ادب و اخلاق همـراه بـود. در هیچ روایتی دیده نشـده که امـام رضا علیه‌السلام به حتی یک کافر توهین کرده، سخن مخاطبی را قطع کند یا جلسه را ترک نماید.

باب گفت‌وگو و پرسش‌وپاسـخ در محضر ایشـان همواره باز بود. ایشان با نمایندگان تمام مکاتب و ادیان زمان خود ـ از رأس‌الجالوت (ایدئولوگ بزرگ یهودیان)، نسـتاس رومـی، خـوارج افراطـی، مرجئـه (لیبرال‌هـای مذهبـی آن عصـر)، صابئیـان، زرتشـتیان، مانویان، ماتریالیست‌ها و حتی شکاکانی که هیچ مبنای مشترکی برای استدلال قبول نداشتند ـ به بحث و مناظره می‌پرداخت.

نکتـه کلیـدی این‌جاسـت که پـس از هر جلسـه، مخالف یا تغییـر ایدئـولوژی می‌داد و مسلمان می‌شد، یا دست‌کم در باورهای پیشین خود دچار تردید عمیق می‌گردید. در هیچ مناظره‌ای دیده نشـده که طرف مقابل در پایان، بتواند با قاطعیت، همان موضع اولیه خود را تکرار کند. این موفقیت، نه‌تنها ناشی از عمق دانش امام که نتیجه روش اخلاقی، صبر و ادب ایشان در برخورد با مخاطب بود.

متأسـفانه، گاهـی زمانـی کـه ایـن مناظـرات نقـل می‌شـود، بـه دلیـل عـدم درک عمـق اسـتدلال امام، به نظر می‌رسـد پاسخ ایشان به سـؤال مرتبط نیست؛ درحالی‌که پاسخ دقیقـاً همان سـؤال را هدف گرفته اسـت. این موضوع، اهمیـت فهم و انتقال صحیح مفاهیـم را نشـان می‌دهـد. الگوی امـام رضا علیه‌السلام به ما مـی‌آموزد که تبلیغ مؤثـر، نیازمند

ایجـاد فضای امن برای پرسـش، پایبندی بـه اخلاق گفت‌وگو و پاسـخ‌گویی صبورانه و عقلانی به هر شبهه‌ای است.



روش امام رضا علیه‌السلام ترکیبی از زبان، قلب و عمل بود؛ نه فرقه‌سازی و نه ایجاد یأس.

پرهیز از فرقه‌سازی و ارائه تصویری متعادل از دین

متأسفانه، گاهی همین جلسات خانگی به بستری برای فرقه‌سازی و انحرافات خطرناک تبدیل می‌شوند. به‌عنوان نمونه، در زندان‌های کشور ما افرادی هستند که خود را «خدا»، «مسیح»، «حضرت خضر» یا حتی «امام‌زمان» می‌نامند و برخی زنان نیز ادعای همسری امام‌زمان را دارند! جالب این که مریدان این افراد اغلب در شهرهای مذهبی مانند قم و مشهد و حتی در میان طلاب و هیأت‌های مذهبی یافت می‌شوند. ریشه بسیاری از این انحرافات، در همین جلسات خانگی است که بدون نظارت و آگاهی، مفاهیمی مانند «امام سیزدهم» یا «یمانی» به‌صورت سلیقه‌ای ساخته‌وپرداخته می‌شوند.

اما الگوی حضرت رضا علیه‌السلام کاملاً متفاوت بود. ایشان هم موعظه‌ای نرم و اثرگذار داشتند که باعث نرمی قلب و جاری‌شدن اشک مخاطب حتی از میان نامسلمانان می‌شد و هم با استدلالی محکم در مناظرات شرکت می‌کردند. روش امام رضا علیه‌السلام ترکیبی از زبان، قلب و عمل بود؛ نه فرقه‌سازی و نه ایجاد یأس. ایشان حتی رابطه بین مسائل به ظاهر نامرتبط، مانند دروغگویی حاکمان و خشک‌سالی، یا ظلم و فروپاشی نظام اجتماعی را به‌روشنی توضیح می‌دادند.

امام علی علیه‌السلام به‌صراحت می‌فرمایند: «فقیه کسی است که مخاطبش را مأیوس نکند.»[1] هر جلسه‌ای که پس از آن مردم از رحمت خدا ناامید شوند و احساس کنند راه بازگشتی برایشان نیست، یک جلسه ضداسلامی است.

از طرف دیگر، جلسه‌ای که مردم را به لاابالی‌گری سوق دهد و با تفکری مانند مرجئه (لیبرال‌های مذهبی آن زمان) بگوید «هر کاری می‌کنی، تا وقتی که نیتت پاک است!»، نیز به همان اندازه خطرناک است. امام رضا علیه‌السلام با هر دو جریان افراطی ـ هم خوارجی که با کوچک‌ترین گناه، افراد را تکفیر می‌کردند و هم مرجئه که همه چیز را مجاز می‌شمردند ـ مقابله می‌کردند.

«هرگاه بندگان گناهان تازه‌ای مرتکب شوند که قبلاً نبوده، بلاهای تازه‌ای نیز نازل می‌شود که قبلاً نمی‌شناختید.»

... تفسیر این حدیث بسیار حساس است؛ می‌توان آن را به‌گونه‌ای بیان کرد که امیدوارکننده و هشداردهنده باشد، یا به‌گونه‌ای که یا باعث یأس مطلق شود یا بی‌مسئولیتی کامل؛

---

۱. نهج‌البلاغه، حکمت ۹۰.

ایشـان می‌خواهنـد بگویند کـه نباید گناهان کوچک را دسـت‌کم گرفت؛ زیـرا به‌تدریج انسـان را بـه سـمت گناهان بزرگ‌تـر سوق می‌دهند. اما این هشـدار را به‌گونه‌ای بیان می‌کننـد که باعث یأس نشـود. همان‌طور که امام رضـا علیه‌السلام می‌فرمایند: «هرگاه بندگان گناهـان تـازه‌ای مرتکب شـوند که قبلاً نبوده، بلاهـای تازه‌ای نیز نازل می‌شـود که قبلاً نمی‌شناختید.»[1]

این بیان، نشـان‌دهنده یک قانونمندی تکوینی در جهان اسـت که بین عمل انسـان و آنچه بر او می‌گذرد رابطه برقرار می‌کند. اما تفسیر این حدیث بسیار حسـاس اسـت؛ می‌توان آن را به‌گونه‌ای بیان کرد که امیدوارکننده و هشـداردهنده باشـد، یا به‌گونه‌ای کـه یـا باعث یأس مطلق شـود یـا بی‌مسـئولیتی کامل؛ بنابرایـن، نحوه بیـان و تفسیر احادیث، نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت یا گمراهی مخاطب دارد.

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۷۵، ح ۲۹.



ضرورت فهم صحیح و همه جانبه نصوص دینی و پرهیز از تفسیرهای جنسیتی نادرست

بسیاری از مشکلات جامعه ـ از طلاق و دعواهای خانوادگی تا اعتیاد و ظلم ـ ریشه در جهل دارد؛ چه جهل علمی، چه جهل اخلاقی و چه جهل به احکام و مناسبات صحیح.

یکی از آسیب‌های جدی در فهم دین، تفسیرهای نادرست و محدود از نصوص شرعی است که به افراط و تفریط‌های خطرناک می‌انجامد. به‌عنوان‌مثال، حدیث شریف «طَلَبُ العِلمِ فَرِیضَةٌ عَلی کُلِّ مُسلِمٍ»[1] برای مدتی طولانی به‌صورت ناقص نقل می‌شد و واژه «مُسلِمَة» در آن حذف می‌شد.

این امر باعث شده بود برخی به اشتباه نتیجه بگیرند که کسب علم تنها بر مردان واجب است و زنان تعهدی در این زمینه ندارند. این در حالی است که با نگاهی عمیق‌تر به کل آیات و روایات و با بهره‌گیری از عقل، روشن می‌شود که خداوند در

---

۱. تنبیه‌الخواطر، ج ۲، ص ۱۷۶.

مسئله علم و عمل صالح بین زن و مرد تفکیک قائل نشده است. مخاطب احکام، «انسان» است، نه فقط «مرد».

حتی اگر در عبارتی واژه «رجل» (مرد) به‌کاررفته باشد، مانند «طَلَبُ العِلمِ فَرِیضَةٌ عَلی کُلِّ رَجُلٍ»، باز هم این دلیل بر اختصاص آن به مردان نیست. در اصطلاح اصولی، این گونه تعابیر، «إباء از تخصیص» دارند و فقها در چنین مواردی «الغاء خصوصیت» می‌کنند؛ یعنی اگرچه عبارت در یک مورد خاص صادر شده؛ اما حکم آن به آن مورد خاص محدود نمی‌شود.

عرف جامعه نیز چنین برداشتی ندارد و می‌فهمد که خطاب، عام است. پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام به زبان مردم و برای رفع گیجی و ابهام آنان سخن می‌گفتند؛ نه برای اظهار فضل و ایجاد گیجی بیشتر.

این سوءتفاهم‌های کوچک در تعریف واژه‌ها یا نوع تفسیر، می‌تواند به سوءتفاهم‌ها و انحرافات بزرگی بینجامد. اسلام به‌شدت با جهل مخالف است و آن را «رِجس» و نوعی نجاست می‌داند که می‌تواند به شرک بینجامد. بسیاری از مشکلات جامعه ـ از طلاق و دعواهای خانوادگی تا اعتیاد و ظلم ـ ریشه در جهل دارد؛ چه جهل علمی، چه جهل اخلاقی و چه جهل به احکام و مناسبات صحیح.

نقش زنان به‌عنوان محور و رکن اصلی خانواده ـ که ثبات آن را تضمین می‌کنند ـ اهمیت توجه به آموزش صحیح آنان را دوچندان می‌کند. یک خانواده‌ای که مرد خود را از دست می‌دهد ممکن است با مشکلاتی مواجه شود؛ اما خانواده‌ای که زن خود را از دست می‌دهد، اغلب متلاشی می‌شود؛ بنابراین، فهم درست نصوص دینی و دوری از تفسیرهای جنسیتی نادرست، برای سلامت فرد، خانواده و جامعه امری ضروری است.

گفت‌وگو و تعامل سازنده، بهترین راه برای جلوگیری از این افراط‌وتفریط و تصحیح خطاهای یکدیگر است.



ضرورت هم‌فکری، شورا و انتقال تجربیات در تبلیغ

برای ارتقای کیفیت جلسات و جلوگیری از انحرافات، لازم است افرادی که تجربه موفق‌تری دارند، تجربیات خود را به‌صورت جمعی به اشتراک بگذارند. به‌عنوان‌مثال، جلساتی تشکیل شود و گفته شود: «این سؤال در جلسه از من پرسیده شد، من این‌گونه پاسخ دادم؛ نظر شما چیست؟» سپس پنج نفر نظرات خود را بیان کنند که «به نظر من اگر این پاسخ را با این ادبیات بدهی بهتر است» یا «خانم‌ها اگر این‌گونه پاسخ دهند تأثیرگذارتر خواهد بود.» و دیگران نیز این نکات را یادداشت کنند. این انتقال تجربیات و استفاده از عقل جمعی، همان چیزی است که قرآن از آن به «شورا» تعبیر می‌کند.

متأسفانه، در بین ما ـ چه طلاب و چه مبلّغان ـ همکاری، تقسیم‌کار، اشتراک‌نظر و کار تخصصی گروهی بسیار ضعیف است. این ضعف، آسیب‌های زیادی به همراه دارد. هرکس در حلقه خودش به‌صورت جداگانه عمل می‌کند و سال‌ها ممکن است شاگردان یک مجموعه، به دلیل نقدناپذیری و عدم ارتباط با دیگران، در اشتباه باقی بمانند و دچار افراط‌وتفریط شوند. گفت‌وگو و تعامل سازنده، بهترین راه برای جلوگیری از این افراط‌وتفریط و تصحیح خطاهای یکدیگر است.

باید در نظر داشت که در عصر حاضر، دامنه تأثیر گفتار یک مبلّغ بسیار وسیع است. ممکن است صحبت‌های شما با موبایل فیلم‌برداری شده و در فضای مجازی در معرض دید هزاران نفر قرار گیرد؛ بنابراین، باید با این فرض مطالعه و سخن گفت که فردا ممکن است ده‌ها هزار نفر آن را ببینند و بر روی هر کلمه و بیان باید با دقت فکر کرد.

سؤالات و شبهات نیز در نهایتِ محدود و تکراری هستند. در هر موضوعی ـ مثلاً حجاب ـ حدود ده تا بیست سؤال اصلی بیشتر وجود ندارد. اگر این سؤالات اصلی به‌خوبی مطالعه شده و در جمع به بحث گذاشته شود که به هرکدام باید چه پاسخی داد و با چه ادبیاتی، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

اول رابطه با خدا باید تقویت شود و سپس در امور دنیوی با مشورت و شوراعمل کرد؛ نه به‌صورت استبدادی و با ادعای «عقل کل» بودن.

قرآن کریم در توصیف مؤمنان می‌فرماید: «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»[1] (کارهایشان با مشورت میان خود است). این آیه پس از «أَقَامُوا الصَّلَاةَ» (نماز را برپا می‌دارند) آمده است. این ترتیب نشان می‌دهد که اول رابطه با خدا باید تقویت شود و سپس در امور دنیوی با مشورت و شورا عمل کرد؛ نه به‌صورت استبدادی و با ادعای «عقل کل» بودن. پس از آن نیز می‌فرماید: «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» (و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند). این امر، نشان‌دهنده یک الگوی کامل است: تقویت رابطه با خدا، سپس تصمیم‌گیری جمعی و مشورتی و در نهایت، عمل و ایثارگری. این سنت قرآنی باید در همه عرصه‌ها ـ از جمله در مدیریت جلسات خانگی ـ اجرا شود.



۱. سوره شوری، آیه ۳۸.



ویژگی‌های مبلّغان راستین؛ پاسداری، شکوفایی و پیوند بر پایه ولایت

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بیان ویژگی‌های بندگان خاص خدا که می‌توانیم مصداق آن باشیم، می‌فرمایند: «أَنَّ عِبَادَ اللَّهِ الْمُسْتَحْفَظِينَ»[1]؛ آنان حافظان و پاسداران سرّ و علم الهی هستند. اینان پنج ویژگی برجسته دارند که این ویژگی‌ها، الگویی کامل برای همه ما ـ اعم از طلبه، مبلّغ و برگزارکننده جلسات خانگی ـ است تا بتوانیم در مسیر تبلیغ دین، هم راستا و هم‌نوا و برای هدفی والا گام برداریم:

---

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۴.



۱. پاسداری از حریم معرفت (يَصُونُونَ مَصُونَهُ): آنان از معارف الهی به‌دقت صیانت می‌کنند. مرزهای فکری و عقیدتی را حفظ می‌نمایند و اجازه نمی‌دهند هر سخن نادرستی به نام دین و مذهب القا شود. این امر، مستلزم هوشیاری و حساسیتی عمیق است.

۲. شکوفاسازی چشمه‌های معرفت (يُفَجِّرُونَ عُيُونَهُ): آنان چشمه‌های معرفت را می‌شکافند و جاری می‌سازند. این به معنای خلاقیت، تولید فکر نو و استخراج مفاهیم عمیق از آیات و روایات است. همانند چشمه‌ای که در زیر زمین نهفته است و اگر شکافته نشود، آب آن به سطح نمی‌رسد و مردم از تشنگی می‌میرند. یک مبلّغ باید بتواند با تفکر و اجتهاد، نکات ناب و پاسخ‌گو را برای مخاطب امروز استخراج کند.

۳. پیوند و هم‌بستگی بر محور ولایت (يَتَوَاصَلُونَ بِالْوَلَايَة): آنان به هم پیوسته‌اند و بر اساس ولایت، یک‌پارچه عمل می‌کنند. آنان نمی‌گویند: «جلسه من، جلسه او» یا «مکتب ما، مکتب شما». این تفرقه‌افکنی‌ها باعث می‌شود مردم بگویند: «خودشان با هم اختلاف دارند، پس چگونه می‌خواهند ما را اصلاح کنند؟». پیوند آنان بر اساس ولایت است.

۴. دیدارها آکنده از مهر و محبت (يَتَلَاقَوْنَ بِالْمَحَبَّة): هنگامی که به دیدار یکدیگر می‌روند، این ملاقات با محبت و صمیمیت راستین همراه است. آنان یکدیگر را

يَتَسَاقَوْنَ بِكَأْسٍ رَوِيَّة:

اگر تو مطلب جدیدی خوانده‌ای، با او در میان بگذار

و اگر او شبهه‌ای را پاسخ داده، آن را به تو انتقال دهد.

دوست دارند و خوشحال می‌شوند اگر گروه دیگری در کارش موفق‌تر عمل کند. امام خمینی رحمه‌الله تأکید داشتند که نشانه الهی یا شیطانی بودن کارها این است: اگر کاری را به نام خدا انجام می‌دهی و دیگری همان کار را بهتر انجام داد و به نام او شد، اگر ناراحت شدی، کارَت برای شیطان است و اگر خوشحال شدی، برای خداست؛ زیرا هدف تو انجام‌شدن آن کار بوده، نه شهرت شخصی.

۵. سیراب‌کردن یکدیگر از جام معرفت (يَتَسَاقَوْنَ بِكَأْسٍ رَوِيَّة): آنان هم‌دیگر را سیراب می‌کنند. اگر تو مطلب جدیدی خوانده‌ای، با او در میان بگذار و اگر او شبهه‌ای را پاسخ داده، آن را به تو انتقال دهد. آنان همچون کسانی هستند که جامی از آب گوارا را به یکدیگر تعارف می‌کنند و همگی را سیراب می‌سازند. این همان هم‌فکری و اشتراک تجربیات است که در بخش پیشین به آن تأکید شد.

فصاحت، بلاغت و خلاقیت؛ ضرورتی انکارناپذیر در تبلیغ

این انتقاد کاملاً به‌جا است که متأسفانه در بسیاری از مجالس، از فنون بیان و خلاقیت برای انتقال مؤثر مطالب کم‌تر استفاده می‌شود و سخنرانی‌ها سرشار از کلیشه‌های تکراری است. در مقابل، فرقه‌های انحرافی و مکاتب دیگر، اغلب با بهره‌گیری از همین ابزار، جذابیت زیادی ایجاد می‌کنند؛ اما پرسش اصلی این‌جاست:



ـ چرا فصاحت و بلاغت تا این حد در مکتب اسلام اهمیت دارد؟
ـ چرا فصاحت و بلاغت قرآن به‌عنوان یکی از معجزات آن شناخته می‌شود؟
ـ چرا تمام انبیای الهی به فصاحت و بلاغت شهره بودند؟
ـ چرا پیامبر اکرم ﷺ که در آغاز سواد آکادمیک نداشتند، به‌عنوان «اَفصَحُ العَرَب» (فصیح‌ترین در میان اعراب) شناخته می‌شدند؟
ـ چرا گفته می‌شود «کَلامُ الأَمیرِ اَمیرُ الْکَلامِ» (سخن امیرالمؤمنین علیه‌السلام، امیرِ همه سخنان است)؟
ـ چرا خطبه‌های حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام و امیرالمؤمنین علیه‌السلام از زیباترین و تأثیرگذارترین سخنرانی‌های تاریخ است؟

پاسخ روشن است: «تأثیرگذاری بر مخاطب». هدف اصلی، رساندن پیام به قلب و ذهن مردم است. اما مخاطب کیست؟ مخاطب اصلی ما، قشر وسیعی از جامعه هستند که نه متدینِ کامل هستند و نه ضد دین. آنان در میانه راه‌اند؛ هم کارهای دینی می‌کنند و هم کارهای غیردینی. ممکن است خانمی را ببینید که حجاب کامل ندارد؛ اما تسبیح در دست دارد و ذکر می‌گوید. این فرد، نه بی‌دین است و نه ضد دین؛ بلکه برداشت و عملش به دین، این‌گونه است. این اکثریت جامعه هستند و ما باید بتوانیم با این قشر گسترده ارتباط مؤثر برقرار کنیم.



چگونه؟ تنها باتکیه‌بر محتوای غنی. اما با بیانی خشک و کلیشه‌ای نمی‌توان به این هدف رسید. باید از هنر بیان، خلاقیت در انتقال مفهوم، و زبانِ روز استفاده کرد. باید سخن را چنان زیبا و جذاب بیان کرد که دل‌ها را ببرد و ذهن‌ها را متحول کند؛ همان‌گونه که کلام اهل‌بیت علیهم‌السلام چنین بود. این امر، نه‌تنها تناقضی با اصالت مطالب ندارد؛ بلکه تحقق حکمت الهی است که می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»[1]؛ با حکمت و پند نیکو به راه پروردگارت دعوت کن. «موعظه حسنه» یعنی بیان نیکو و تأثیرگذار. بنابراین، زیبایی و اثرگذاری بیان، بخشی جدایی‌ناپذیر از تبلیغ موفق دین است.

---

۱. سوره نحل، آیه ۱۲۵.



هیأتِ تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر(عج) باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور...ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...

***

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است

جامعه ایمانی مشعر

۰۲۵-۳۶ ۶۳ ۱۲ ۲۰
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا(ع) است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعّالیّت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...